

Balanced development and territorial preparation; Requirements and challenges

By:
Iraj Bakhtiari¹

Abstract

The concepts of development and justice have long been considered and the focus of attention of planners, politicians and national, regional and provincial or local managers, and in the meantime, the purpose and appropriateness of the distribution of facilities and population based on geography is interpreted as a central principle. Land logistics, which is a combination of the three sciences of economics, geography and sociology, includes organizing and systematizing measures to the national or local natural-social-economic space, which is based on compiling the main direction of the country's long-term development, looking at the national development from above and determining the reflections, possibilities, obstacles and bottlenecks and combining these two processes in dealing with economic sectors and inter sectoral and regional coordination. The land logistics approach in all aspects complements and resolves the inadequacies that, with the possibility of creating a balance between the three elements of man, space and activities and providing a logical arrangement of activities in the field of land, should be in the stages of developing development plans (long-term, medium-term, short-term) and their implementation as Dominant view and upper document to act. This issue is also important from the point of view of defense and passive defense and the relationship between defense and security. In this article, the factors of threats and weaknesses in this field are discussed with the perspective of environmental science, which are actually the source of challenges, and after identifying the factors in a scientific way and interviewing experts, analyzing the information and data obtained, the requirements and solutions and strategies to overcome the challenges and overcome the weaknesses. It is stated and finally some suggestions are presented in the field of achieving balanced development.

Keywords: balanced development, territorial planning, requirements, challenges.

1. Member of the faculty of Khatam Al-Anbiya (PBUH) Air Defense University
eraj_baktiar@yahoo.com

توسعه متوازن و آمایش سرزمینی؛ الزامات و چالش‌ها

ایرج بختیاری^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

چکیده

مفاهیم توسعه و عدالت از دیرباز مد نظر و کانون توجه برنامه‌ریزان، سیاسیون و مدیران ملی، منطقه‌ای و استانی یا محلی قرار داشته و در این بین آمایش و تناسب توزیع امکانات و جمعیت بر اساس جغرافیا، اصلی محوری تعبیر می‌شود. آمایش سرزمین که تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است شامل اقدامات ساماندهی و نظام‌بخشی به فضای طبیعی - اجتماعی - اقتصادی ملی یا محلی است که بر اساس تدوین اصلی‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت کشور در نگاهی از بالا به توسعه ملی و تعیین بازتاب‌ها، امکانات، موانع و تنگناها و تلفیق این دو فرایند در برخورد با بخش‌های اقتصادی و هماهنگی بین‌بخشی و منطقه‌ای است. رویکرد آمایش سرزمین در همه ابعاد مکمل و برطرف‌کننده نارسایی‌ها است که با امکان ایجاد زمینه تعادل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت‌ها و ارائه چیدمان منطقی فعالیت‌ها در عرصه سرزمین باید در مراحل تدوین برنامه‌های توسعه (بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه‌مدت) و اجرای آنها به‌عنوان نگاه غالب و سند بالادست عمل کند. این موضوع از دید مباحث دفاعی و پدافند غیرعامل و رابطه آمایش با امنیت و دفاع نیز اهمیت خود را دارد. در این مقاله با نگاه محیط‌شناسی به عوامل تهدیدها و ضعف‌های این حوزه پرداخته شده که در واقع منشأ چالش‌ها است و پس از مشخص کردن عوامل به روش علمی و مصاحبه با صاحب‌نظران، تحلیل اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده، الزامات و راهکارها و راهبردهای برون‌رفت از چالش‌ها و مرتفع کردن ضعف‌ها بیان شده و سرانجام پیشنهادهایی در زمینه دستیابی به توسعه متوازن ارائه شده است.

واژگان کلیدی: توسعه متوازن، آمایش سرزمینی، الزامات، چالش‌ها.

مقدمه

در بیانیه گام دوم انقلاب، بندهای ۳۷، ۳۸، ۳۹ مبحث عدالت و مبارزه با فساد توصیه و تأکید شده و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته‌اند. در آموزه‌های دینی، اهمیت عدالت به حدی است که سبب سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه دانسته شده است، چنانچه ترک آن سبب شقاوت فرد و جامعه و خروج مسلمانان از دین می‌شود. عدالت در متون دینی مهم‌ترین هدف پیامبران الهی تعبیر شده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ (سوره حدید، آیه ۲۵): به‌راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

چنانکه عدالت جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی دارد، تحقق عدالت نیز از دو جنبه جغرافیایی و منطقه‌ای آن و هم‌چنین وضعیت‌سنجی و راهکارهای دستیابی به این مهم، مد نظر آمایش و توسعه پایدار است. توسعه پایدار به‌عنوان برنامه‌ای جامع در دستور کار سازمان ملل متحد برای برطرف‌ساختن چالش‌های قرن حاضر و نگهداری از حقوق نسل‌های آینده بشر است. این مفهوم با دو مؤلفه محیط زیست و توسعه، پای به عرصه حیات نهاد، اما این تصویر ناکامل را با افزودن مفهوم «صلح» در سند توسعه پایدار ۲۰۱۵ ملل متحد کامل کرد. این سند تحقق آرمان‌های توسعه پایدار را در گرو هم‌بستگی ارکان سه‌گانه حفاظت از محیط زیست، توسعه انسان‌محور و صلح دانسته است. آمایش در زبان فارسی به‌معنای آراسته‌کردن، آراستن و زینت‌دادن است و آمایش سرزمین به تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به‌منظور بهره‌وری منطقی از تمام امکانات علم و تجربه در طول زمان می‌پردازد (منوچهری و همکار، ۱۳۹۵).

درحقیقت آمایش، سازماندهی مطلوب فضا به‌منظور دستیابی به اهداف و راهبردهای جامع ملی است که در راستای آرمان‌های جامعه قدم بر می‌دارد. هدف این سازماندهی ایجاد قسط و عدل در جامعه است؛ زیرا کار آمایش، تأمین نیازهای بشری است. این نیازها می‌تواند جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... را در بر گیرد. در فرهنگ لغات لاروس، آمایش چنین تعریف شده است: بهترین توزیع جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به منابع طبیعی و انسانی؛ هم‌چنین براساس انتشار مفاهیم جدید در سال‌های اخیر در فرانسه می‌توان سطوح و تعاریفی را برای آمایش مد نظر قرار داد. آمایش سرزمین از سازماندهی فضایی ساده فراتر می‌رود. آمایش سرزمین در حال

حاضر شامل سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به‌منظور تحقق آینده‌ای مطلوب پیشنهاد می‌شود (آبیار، ۱۴۰۰).

آمایش سرزمین که تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است شامل اقدامات ساماندهی و نظام‌بخشی به فضای طبیعی - اجتماعی - اقتصادی ملی یا محلی است که بر اساس تدوین اصلی‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت کشور در نگاهی از بالا به توسعه ملی و تعیین بازتاب‌ها، امکانات، موانع و تنگناها و تلفیق این دو فرایند در برخورد با بخش‌های اقتصادی و هماهنگی بین‌بخشی و منطقه‌ای است. رویکرد آمایش سرزمین در همه ابعاد، مکمل و برطرف‌کننده نارسایی‌ها است که با امکان ایجاد زمینه تعادل میان سه عنصر انسان، فضا و فعالیت و ارائه چیدمان منطقی فعالیت‌ها در عرصه سرزمین باید در مراحل تدوین برنامه‌های توسعه و اجرای آنها (بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه‌مدت) به‌عنوان نگاه غالب و سند بالادست عمل کند؛ هم‌چنین آمایش سرزمین در کنار برنامه‌ریزی اقتصادی، ضمن تکمیل و بالندگی نظام برنامه‌ریزی کشور می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات و کمبودهای مطرح‌شده باشد.

سند آمایش سرزمین به‌عنوان سند راهبردی ملی و بلندمدت دربرگیرنده سطوح گوناگون فراملی - ملی و استانی است و برای رسیدن به این هدف تدوین سندی بالادست ضروری است که اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های توسعه بلندمدت کشور را با رویکردی راهبردی مطرح کند؛ لذا آمایش سرزمین به‌عنوان برنامه‌ای راهبردی، مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت به‌منظور بازشناسی و بازنمایی امکانات، استعدادها و توانایی‌ها از یک‌سو و محدودیت‌ها و تنگناها ازسوی دیگر برای زدودن نارسایی‌ها و ایجاد تعامل مطلوب بین عناصر سه‌گانه انسان، فضا و فعالیت و چگونگی جای‌دهی و چیدمان منطقی و ممکن آن بر سرزمین را به‌عهده دارد.

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ نیز بر مقوله توسعه پایدار، عدالت‌محور و متوازن تأکید شده و آمده است: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

همان‌گونه که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور آمده، توسعه‌یافتگی (کارآمد) متناسب با مقتضیات جغرافیایی، فرهنگی، عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر در پهنه جغرافیایی و وسعت سرزمینی جامعه مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است.

باتوجه به موارد یادشده و اهمیت موضوع از دید ایجابی که در راستای توجه به اصول عدالت‌محوری و فقرزدایی و تحقق عدالت اجتماعی، فراهم‌کردن بستر رقابت منطقه‌ای و ایجاد جذابیت برای جوامع ساکن در مناطق مرزی و کم‌برخوردار و فراهم‌شدن زمینه تحکیم همگرایی مردم و حاکمیت با ایجاد رضایت‌مندی در بین جوامع، ایجاد سد نفوذ و رفع بسترهای نزدیکی بیگانگان به مناطق مرزی و رشد و توسعه متوازن در عرصه محلی، منطقه‌ای و ملی است و همچنین ضرورت موضوع از دید سلبی که نپرداختن به این‌گونه موضوعات و پژوهش‌ها؛ پیامدهایی همچون گسترش فقر و بی‌عدالتی در سطوح گوناگون جامعه، افزایش نارضایتی و فراهم‌شدن بسترهای واگرایی و گسست بین مردم و حاکمیت، فراهم‌شدن زمینه نفوذ و نزدیکی بیگانگان به اهالی مناطق مرزی و ایجاد واگرایی نسبت به حکومت مرکزی و... را می‌توان در این زمینه برشمرد؛ بنابراین مسئله این پژوهش تبیین الزامات و چالش‌های متصور در راستای رسیدن به توسعه متوازن با

برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های آمایش سرزمینی مناسب و متناسب در گستره جغرافیایی ایران عزیز است.

پیشینه پژوهش

در این بخش به تعدادی از پژوهش‌های مشابه و مرتبط با موضوع این مقاله پرداخته می‌شود: محمد فرج محیسن (۱۴۰۱) در پژوهشی که در جامعه‌المصطفی انجام شده با بررسی ریشه‌یابی نظری توسعه پایدار در اقتصاد اثباتی، به بررسی مفهوم توسعه پایدار در ادبیات اقتصاد اسلامی پرداخته و سعی در شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین نظام اقتصادی مثبت و اقتصاد اسلامی دارد. پژوهشگر از راه فرمول‌های تأمین مالی اسلامی، نقش بانک‌های اسلامی را در دستیابی به توسعه پایدار بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که توسعه پایدار در بینش اسلامی از آنچه که نظام‌های انسان‌ساز از نظر مفاهیم، اهداف و یا استانداردها در نظر دارند، پیشی گرفته و فراتر رفته است؛ اینکه اقتصاد اسلامی، اقتصاد اخلاقی و ارزشی است و وسیله و هدف اصلی آن انسان است.

فاطمه آبیاری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «صلح مثبت لازمه توسعه پایدار» که در دانشگاه بوعلی سینا همدان انجام داده با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری کتابخانه‌ای - اسنادی درصدد پاسخ به این پرسش برآمده است که صلح مثبت چه نقشی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند. شناسایی ضروریات وجودی صلح در میان دیگر مؤلفه‌های توسعه پایدار، واکاوی و تشریح اهمیت صلح مثبت در دستیابی به اهداف مورد نظر سند اخیر توسعه پایدار و نقش سازمان‌های بین‌المللی مربوط در این راستا، از ابزارهای این پژوهش در بررسی نقش صلح مثبت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار است.

ایاد شمخی جابرا العمیری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه پایدار در اقتصاد عراق با استفاده از تحلیل SWOT» که در جامعه‌المصطفی انجام داده، با هدف تحلیل راهبردها و سیاست‌های توسعه پایدار در اقتصاد این کشور، به مجموعه‌ای از نتایج دست یافت که مهم‌ترین آنها عبارت است از: اقتصاد عراق عوامل قوی فراوانی دارد از جمله فراوانی منابع طبیعی، برخورداری از زمین‌های حاصلخیز و آب فراوان و سود بردن از فراوانی نفت؛ هم‌چنین با ضعف‌های گوناگونی مانند چالش‌های داخلی اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی روبه‌رو است؛ هم‌چنین فرصت‌های زیادی دارد، مانند میثاق بین‌المللی بین عراق و سازمان ملل متحد، همکاری‌های

بین‌المللی و سرانجام، اقتصاد عراق با تعدادی تهدید خارجی روبه‌رو است که مانع تبدیل اهداف توسعه پایدار به سیاست‌های واقع‌بینانه می‌شود، مانند چالش‌های جهانی شدن، تأثیرات منفی برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر کشورهای در حال توسعه، خصوصی‌سازی و نقش شرکت‌های بین‌المللی در بخش نفت، روندهای بین‌المللی کاهش آلودگی، بازار جهانی نفت و تغییرات قیمت نفت؛ هم‌چنین برای دستیابی به توسعه پایدار در عراق از دیدگاه اسلام برخی پیشنهادها را ارائه کرده که عبارت است از: حمایت و تقویت ارکان توسعه پایدار در اندیشه اسلامی، توجه به وقف و ترویج چرخه در دستیابی به توسعه پایدار در عراق، علاقه به هوشمندی و ترویج چرخه دستیابی به توسعه پایدار در عراق، علاقه به سازوکارهای پایداری زیست‌محیطی مطابق با سنت.

منوچهری و فراهانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «جغرافیا و توسعه پایدار؛ تحقق توسعه پایدار؛ اهمیت آموزش و پرورش (آموزش توسعه‌ای)» که از نوع کاربردی - توسعه‌ای با روش توصیفی - تحلیلی است با جمع‌آوری داده‌ها از منابع اسنادی پس از تبیین الگوواره توسعه پایدار به توصیف نقش و اهمیت آموزش در توسعه می‌پردازد.

با بررسی پیشینه‌ها، بر نقش محوری سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها در توسعه متوازن تأکید شده و مبنا قراردادن اصول آمایش سرزمین در همین راستا، وجه اشتراک آنها با این پژوهش است. از بعد افتراق آنها با موضوع این پژوهش می‌توان به تفاوت در رویکردها، ابعاد و ویژگی‌های مورد مطالعه و هم‌چنین قلمرو مکانی اشاره کرد.

ادبیات و مبانی نظری

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، توسعه همراه با عدالت در آموزه‌های دینی و هم‌چنین در بیانیه گام دوم انقلاب و سند چشم‌انداز کشور مورد تأکید قرار گرفته است. در دهه ۱۹۹۰ میلادی با معطوف‌شدن توجه جهانی به مسائل محیط زیست که در کنفرانس ۱۹۹۲ ریو به نقطه عطف خود رسید، مسائل زیست‌محیطی نیز به ابعاد انسانی و اجتماعی توسعه افزوده شد. در این زمینه اصطلاح و مفهوم جدیدی به نام توسعه پایدار^۱ یا توسعه به‌همراه بقا رواج پیدا کرد. تاریخچه آمایش سرزمین در جهان و روند تحولات سیاسی، نظامی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی اروپای سرمایه‌داری به‌ویژه

در نیمه اول قرن بیستم، کشورهای این منطقه را بر آن داشت که پس از مصیبت‌های جنگ جهانی دوم، از همه جهات خروج از چارچوب تنگ کشوری، بین منطقه‌ای، بین‌المللی و بین‌قاره‌ای را جستجو کنند. در زمینه حمل و نقل و برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای و میان‌مرزی، محیط زیست و به‌ویژه آمایش سرزمین نیز شورای اروپایی، مانند همیاری و هماهنگی در مسائل دیگر، ضرورت چاره‌جویی مشترک و یک‌پارچه را تشخیص داد. از این‌رو چه در قوانین آمایش سرزمین ملی و چه در مجالس، شوراها، کمیسیون‌ها، کمیته‌ها، گروه‌های کاری، سمینارها و پژوهش‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم تشکیل شد، جوانب گوناگون همکاری‌ها در زمینه برنامه‌ریزی‌های فضایی، تأسیسات زیربنایی، سکونت‌گزینی و محیط زیست اروپا بررسی و مطرح شد و با تصویب قطعنامه‌ها، توصیه‌ها، مقررات و کنواسیون‌ها و اجرای آنها پیشرفت‌های زیادی در آمایش سرزمین اروپایی پدید آمد. در درجه اول تک تک کشورهای سرمایه‌داری اروپایی به ضرورت آمایش سرزمین اروپایی پی بردند.

این‌گونه ملاحظات در کشورهای دیگر سبب تصویب «منشور آمایش سرزمین در اروپا» در بیستم ماه مه ۱۹۸۳ توسط کنفرانس وزیران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در چارچوب شورای اروپا شد و بر آمایش سرزمین کشوری سطح کامل‌تر اروپایی را افزود. همان‌طور که از متن منشور بر می‌آید، این منشور همکاری در زمینه سیاست آمایش سرزمین را گامی جلوتر می‌برد و بر آرمان همجواری مطلوب و اراده کشورهای ذی‌نفع بر همکاری و همبستگی اروپایی استوار است. منشور آمایش سرزمین در اروپا با چهار هدف اساسی زیر قالب مشخصی برای سیاست آمایش سرزمینی در اروپا تعیین می‌کند:

- تقویت توسعه متوازن اجتماعی و اقتصادی مناطق

- افزایش کیفیت زندگی شهروندان

- بهره‌برداری آگاهانه و مسئولانه از منابع طبیعی و حفاظت محیط زیست

- کاربری هدفمند فضای ملی و اروپا

در ضمن اندیشه آمایش سرزمین در کشور فرانسه با مشاهده و بروز نبود تعادل در توزیع جغرافیای جمعیت، فعالیت و خدمات و همزمان با پیدایش تفکر برنامه‌ریزی شهری به‌منظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرده است (شمسائی، ۱۳۸۳).

نظریه‌ها و دیدگاه‌های آمایش در جهان

نظریه‌های آمایش و برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی به‌طور عمده از اوایل قرن بیستم مطرح شد که در زیر به معروف‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. نظریه مکان مرکزی کریستالر: یکی از مهم‌ترین نظریه‌های آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسط والتر کریستالر (۱۹۳۳) ارائه شد. وی جغرافی‌دان بود و در پی کشف و تفسیر رابطه تناسب توزیع جمعیت و خدمات در پهنه زمین بود. برای این منظور، منطقه هموار و مسطحی را در جنوب کشور آلمان برای انجام مطالعات و پژوهش‌های خود انتخاب کرد. او به این نتیجه رسید که نظم هندسی خاصی بین مراکز مناطق و نواحی زیر نفوذ و مناطق مجاور آنها وجود دارد که این نظم هندسی را به شکل کریستال‌های شش ضلعی می‌توان ترسیم کرد. براساس یافته‌های کریستالر، در شرایط جغرافیایی معینی مانند دشت مسطح و هموار مرکز جمعیتی، حوزه نفوذ خاصی به‌خود اختصاص می‌دهد که وسعت این حوزه به دو عامل «فاصله تا مرکز» و «آستانه جمعیتی» بستگی دارد؛ بر مبنای این نظریه، ساختار فضایی هر منطقه هموار براساس دو عامل شکل می‌گیرد:

الف - فاصله مرکز هر ناحیه تا دورترین نقاط حوزه نفوذ آن مرکز

ب - جمعیت آستانه در هر محدوده شامل جمعیت مرکز و شعاع نفوذ آن

۲. نظریه کاربری اراضی یا نظریه مکان‌یابی صنعتی: این نظریه در اواخر قرن نوزدهم توسط اقتصاددانان مطرح شد. این نظریه مبتنی بر کارهای نظری پیش‌کسوتانی مانند آدام اسمیت بنیان نهاده شد. شاخص‌های عمده مفهوم این دیدگاه موارد زیر است:

الف - کاربری‌های صنعتی باید به‌گونه‌ای مکان‌یابی شود که هزینه‌ها را به حداقل برساند.

ب - کاربری‌های صنعتی باید به‌گونه‌ای مکان‌یابی شود که بیشترین میزان سوددهی را تضمین کند.

ج - کاربری‌های صنعتی با تلفیق کمترین هزینه و بیشترین سود، به بهینه‌شدن میل می‌کند.

۳. نظریه قطب رشد: نظریه قطب رشد ابتدا توسط فرانسوا پرو (۱۹۵۵) ارائه شد. اصول کلی نظریه

قطب رشد چنین خلاصه شده است:

الف - اصل صنایع پیشتاز: صنایع پیشتاز و بنگاه‌های پیش‌آهنگ، محل استقرار خود را به قطب

توسعه تبدیل می‌کنند و به‌عنوان محور توسعه منطقه وارد عمل می‌شوند.

ب - اصل قطبی‌شدن: صنایع پیشتاز می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی را به‌سوی خود جذب کنند و

به قطبی‌شدن بیشتر کمک کنند.

- ج - اصل پخش تأثیرات: تأثیرات توسعه از قطب رشد به مناطق مهیا پرتوافکنی می‌کند .
۴. نظریه مرکز رشد: این نظریه توسط فریدمن ارائه شد و می‌توان گفت نظریه مرکز رشد، نظریه قطب رشد را عملیاتی کرده است. اصول این نظریه عبارت است از:
- الف - اعتقاد به پیشگامی صنایع در عرصه توسعه
- ب - برای پخش تأثیرات توسعه، علاوه بر قطب‌های رشد وجود مراکز واسطه‌ای رشد نیز به صورت کوچکتر و در نظامی سلسله‌مراتبی ضروری است .
- ج - پیوند و ارتباط پیوسته مراکز واسطه رشد (نقاط تجمع سرمایه، فعالیت، جمعیت و...) سبب تحرک ساختار فضایی منطقه می‌شود. (شمسائی، ۱۳۸۳).

تاریخچه آمایش سرزمین در ایران

پیش از انقلاب اولین بار که فکر برنامه‌ریزی آمایشی در ایران مطرح شد، به اواسط دهه ۴۰ باز می‌گردد. در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۵ گزارشی با عنوان مسئله افزایش جمعیت شهر تهران و نکاتی پیرامون عمران کشوری توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انتشار یافت. بعد از این گزارش سازمان برنامه و بودجه در اواخر دهه ۴۰ با اعزام کارشناسانی به کشور فرانسه و دعوت از مدیران مسئول این مطالعات در فرانسه به ایران، باب مذاکراتی را در این زمینه باز کرد. در آن زمان کشور فرانسه که برای بازسازی‌های بعد از جنگ و مسائل ناشی از تمرکز بیش از حد پاریس، به این نوع برنامه‌ریزی روی آورده بود، به‌عنوان یکی از کشورهای با سابقه و پیشرو در این زمینه به‌شمار می‌آمد.

در سال ۱۳۵۱ مهندسان مشاور ستیران گزارش کوتاهی با عنوان بهره‌وری سرزمین با تنسيق سرزمین تهیه و به سازمان برنامه ارائه دادند. در این گزارش مباحث و روش‌های آمایش سرزمین مطرح شده بود؛ سپس در سال ۱۳۵۳ به‌دنبال تصویب قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی، وظیفه تهیه «طرح جامع سرزمین» به این وزارتخانه محول شد. در این رابطه و به‌منظور تهیه این طرح، مرکزی با عنوان «مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین» با مشارکت وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشاورزی و منابع طبیعی تشکیل شد؛ اما در اواخر همان سال پیرو مشکلاتی که چه‌بسا به‌دلیل تعریف مبهم و گسترده‌ای که از طرح جامع سرزمین به‌وجود آمده بود، براساس تصمیمات شورای اقتصاد قرار شد این مرکز به سازمان برنامه و بودجه وابسته شده و تحت نظارت شورایی از وزرای وقت، رئیس سازمان محیط زیست، قائم‌مقام نخست‌وزیر و رئیس کل

بانک مرکزی انجام وظیفه کند. وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین از سوی شورای اقتصاد به این مرکز محول شد. مرکز مطالعات و تحقیقات بهره‌وری از سرزمین بنا به وظیفه‌ای که به‌عهده داشت، بعداً به «مرکز مطالعات آمایش سرزمین» تغییر نام یافت.

در سال‌های دهه ۱۳۵۰ به‌علت افزایش درآمد نفت و شدت بیشتر تمرکز و انباشت سرمایه در قطب‌های رشد، مشکلات و نارسائی‌های شدیدی برای سردمداران حکومت ایجاد کرد که به‌منظور جلوگیری از پیامدهای اقتصادی و اجتماعی، آمایش سرزمین را جزء برنامه‌های سوم و چهارم خود قرار دادند. مطالعات آمایش سرزمین دربرگیرنده اصول کلی سازماندهی فضا، توزیع جمعیت و فعالیت‌ها و راهبردهای آمایش بخش‌های اقتصادی و اجتماعی بود و سند تصویری آن در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰۰۰ تحت عنوان طرح پایه انتشار یافت. در این طرح کشور به ۱۳ منطقه اصلی تقسیم‌بندی و سازماندهی شد که هر یک تحت نفوذ و مدیریت یکی از شهرهای اصلی سیزده‌گانه کشور قرار داشت. تعیین مناطق اصلی کشاورزی، مراکز صنعتی و خدماتی و شبکه‌های اصلی زیربنایی کشور از دیگر دستاوردهای این طرح بود.

گزارش مطالعات دوره دوم با عنوان مطالعات دوره دوم استراتژی درازمدت آمایش سرزمین در چهار بخش منتشر شد:

الف - نظام شهری و خطمشی اجرایی آن

ب - جامعه روستایی و خطمشی اجرایی آن

ج - محور خوزستان - آذربایجان و خطمشی اجرایی آن

د - تمرکززدایی فعالیت‌های بخش دوم و سوم و خطمشی اجرایی آن

این امر تا برنامه عمرانی ششم ادامه داشت و نتایج کاربردی مطالعات آمایش سرزمین تحت عنوان «رهنمودهای آمایش سرزمین» به سازمان برنامه و بودجه ارائه شد.

پس از انقلاب به‌علت شروع جنگ و بحران‌های گوناگون فرصت و مجال بررسی و اجرای جدید آمایش سرزمین به‌وجود نیامد.

در سال ۱۳۶۲ برنامه‌ریزی آمایش دوباره مورد توجه قرار گرفت و اولین دستاورد آن در شش جلد با عنوان «طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران» در سال ۱۳۶۳ منتشر شد. یک جلد آن با عنوان «اصول و کلیات سازماندهی فضای کشور» و خلاصه مطالعات جلد دیگر با عنوان «تشخیص وضعیت» و سه جلد بعدی با عنوان کلی «استراتژی توسعه در سازماندهی فضای کشور» به ترتیب

به جمعیت و جوامع، فعالیت‌ها و اقلیم و سرزمین می‌پردازد و سرانجام جلد ششم این مطالعات دربرگیرنده نقشه‌های وضع موجود سازمان فضایی و طرح پایه است. این مجلدات براساس نظر دستگاه‌های اجرایی مورد تجدید نظر قرار گرفت و گزارش نهایی آن در سال ۱۳۶۴ منتشر شد. سند تصویری این مطالعات نیز با مقیاس ۲۵۰۰۰۰۰:۱، تصویر توسعه‌یافتگی فضایی کشور را در افق ۱۳۸۱ ارائه کرد.

دومین مرحله مطالعات آمایش سرزمین در سال ۱۳۶۵ آغاز شد و به تدوین ۲۴ جلد نشریه با عنوان «چارچوب نظری توسعه استان» برای هر یک از ۲۴ استان کشور منجر شد. این گزارش‌ها در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. هر یک از این گزارش‌ها دربرگیرنده راهبرد بلندمدت توسعه استان در بخش‌های گوناگون از دیدگاه آمایش سرزمین و نقش آن در چارچوب تقسیم کار ملی و منطقه‌ای بود.

پس از سال ۱۳۶۸ دوباره به دلیل ابهام در جایگاه تشکیلاتی طرح آمایش، مطالعات با رکود و توقف نسبی روبه‌رو شد و سرانجام در سال ۱۳۷۱ وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین به سازمان برنامه و بودجه و وظیفه تهیه طرح‌های کالبدی ملی و منطقه‌ای به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار شد. برجسته‌ترین محورهای سپرده‌شده عبارت است از:

ماده ۱. طرح آمایش سرزمین به معنای تعیین راهبردهای توزیع فضای جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین توسط سازمان برنامه و بودجه با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲. سازمان برنامه و بودجه موظف است در راستای تدوین برنامه آینده توسعه اقتصادی و اجتماعی با نگرش آمایشی، راهبردهای توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین را به همراه برنامه‌های اجرایی زیر تهیه و به تصویب هیأت وزیران برساند:

- تعیین مناطق دارای اولویت و توسعه آن از نظر پذیرش جمعیت و فعالیت
- تعیین نقش نواحی گوناگون از نظر تقسیم کار ملی و استقرار فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی خدماتی و امکانات زیربنایی
- تعیین چشم‌انداز اشتغال و توزیع آن در بخش‌های گوناگون اقتصادی در سطح ملی (چوخابی زاده، ۱۳۸۱).

آمایش سرزمینی، پدافند و توسعه

یکی از مباحث مهم در پدافند و دفاع سرزمینی در مناطق مرزی کشور از جنبه بازدارندگی، آمایش سرزمینی و پدافند و توسعه است. آنچه مسلم است تراکم مناسب جمعیت در مناطق مرزی در صورت وجود پیوستگی مستحکم با حاکمیت، از جمله عوامل سدکننده نفوذ دشمن از مسیر این نواحی (محورهای نفوذی و وصولی) بوده و هم‌چنین عامل بازدارندگی مهمی در نظریه‌های بازدارندگی به‌شمار می‌رود. توسعه متوازن و پایدار و توزیع متناسب و عادلانه امکانات عامل مهم اسکان و نگهداشت جمعیت در مناطق مرزی کم‌برخوردار است و در صورت موفقیت دولت در ایجاد انگیزه و زمینه‌های اشتغال و رضایتمندی در مناطق و نواحی مرزی، پایداری جمعیت مرزی را به‌دنبال دارد و این مسئله عامل سدکننده مهمی در برابر نفوذ دشمن خواهد بود (نجفی راشد، ۱۳۸۶).

نظریه پایه توسعه ملی

نظریه پایه توسعه ملی، اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های توسعه کشور در بلندمدت است. این نظریه، اساس تعیین راهبردها و خط‌مشی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی امنیتی و دفاعی کشور را تشکیل می‌دهد و جهت‌دهنده نقش و وظایف دولت، شیوه مشارکت مردم در فعالیت‌های توسعه و چگونگی نظام تصمیم‌گیری و اجرا است. نظریه پایه توسعه، در طرح پایه آمایش سرزمین نقش محوری دارد و مرجع تعیین معیارها و موازین مورد استناد در تمام طراحی تهیه طرح پایه آمایش سرزمین است. مقولاتی که برای تدوین نظریه پایه توسعه ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارت است از:

آینده‌نگری: پیش‌نیاز اصلی برنامه‌ریزی درازمدت آینده‌نگری است. برای جهت‌گیری‌های منطقی و واقع‌بینانه لازم است تا حد امکان تصویر روشنی از جهان پیش رو داشته باشیم. این تصویر به ما می‌گوید که «به کجا می‌رویم».

برای روشن شدن این تصویر، چشم‌انداز دنیای آینده در زمینه‌ها و موضوعاتی بررسی می‌شود که با جهت‌گیری‌های درازمدت توسعه و آمایش سرزمین ارتباط پیدا می‌کند.

تحلیل موقعیت منطقه‌ای: به‌عبارتی ادامه بحث آینده‌نگری در حوزه‌ای عینی‌تر است. درک روشن از موقعیت و وضعیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه یکی از مهم‌ترین مفروضات تدوین نظریه پایه توسعه ملی است. به‌معنای دیگر این شناخت به ما می‌گوید که در «کجا هستیم» و وضعیت پیرامون ما چیست؟ مناطق و جوامع و اطراف ما از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ چگونگی برخوردشان با جهان خارج و برخورد جهان خارج با

آنها چگونه است؟ لذا برای این منظور در مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین، ۱۹ کشوری که به طور مستقیم در همسایگی ایران قرار دارد و یا در منطقه نفوذ ایران واقع است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. ساختار فرهنگی هویت ملی: شناخت اجزای اصلی و ساختار فرهنگی هویت ملی در تدوین نظریه پایه، نقش مهمی دارد. بحث هویت ملی ناظر بر این است که «ما که هستیم» و نظریه پایه در جستجوی آن است که «که باید بشویم». اهمیت این بحث در آن است که بین توانمندی‌ها و واقعیت‌های اجتماعی، با خطمشی توسعه تناسب ایجاد می‌کند.

تحلیل سازمان فضایی: شناخت وضع موجود آمایش سرزمین مقدمه و پایه اتخاذ سیاست‌های کلان آمایش سرزمین و سازماندهی فضایی توسعه است. این شناخت به ما می‌گوید «در چه وضعیتی ایستاده‌ایم».

امکانات و توانمندی‌ها، محدودیت‌ها و تنگنای توسعه سرزمین

شناخت و اطلاع درست از توانمندی‌ها و کاستی‌ها در عرصه‌های گوناگون به ما می‌گوید: چه داریم و چه کم داریم. تجربه برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه ملی در دوران قبل از انقلاب اسلامی و پس از آن نشان داده است که کم‌توجهی و عدم نگرش به بعد فضایی و نتایج مکانی تصمیم‌گیری‌ها سبب تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای شده و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را در سطح مناطق به شدت دامن زده است. این مسئله سبب شده است تا همه جوامع و مناطق کشور نتوانند متناسب با امکانات توسعه و مزیت‌های نسبی خود از مواهب توسعه ملی برخوردار شوند.

بدون شک ریشه بسیاری از این نابسامانی‌ها و عدم تعادل‌ها در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان ملی و به ویژه در نظام برنامه‌ریزی کشور نهفته است؛ زیرا تجربه‌های موجود بازگو کننده آن است که در هر نظام برنامه‌ریزی انتزاعی هیچ‌یک از انواع برنامه‌ریزی‌ها اعم از برنامه‌ریزی فضای ملی (آمایش سرزمین) و یا برنامه‌ریزی اقتصادی (کلان - بخشی) به تنهایی و مستقل از یکدیگر نمی‌تواند ضامن تحقق اهداف توسعه‌ای بوده و پاسخگوی مسائل و مشکلات موجود در این راه باشد.

در دنیای امروز، برنامه‌ریزی یکی از ابزارهای ساماندهی محیط جغرافیایی است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی به صورت اصولی، نوعی تفکر درباره مسائل اقتصادی، سیاسی، دفاعی، اجتماعی و فرهنگی است و به صورت قطعی جهت‌گیری آینده‌نگری دارد و به صورت عمقی به روابط اهداف و تصمیمات همه‌جانبه توجه دارد و به شدت در زمینه خطمشی و برنامه‌ها جامعیت را می‌طلبد. در کشور ایران بیش از ۳۵ سال از عمر اجرای طرح‌های آمایش سرزمین سپری شده است و در این

مدت نتایج طرح‌ها با ناکامی‌ها و موفقیت‌هایی روبه‌رو بوده است. موردی که از اهمیت زیادی برخوردار است توجه‌نکردن به ملاحظات دفاعی و امنیتی در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای است؛ لذا در زمینه سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه در پیام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به ریاست جمهوری اسلامی ایران «ملاحظات دفاعی و امنیتی» به‌عنوان اولین بند آمده و در بند ۳۰ پیام آمده است: آمایش سرزمین به‌عنوان چارچوب بلندمدت در برنامه‌ریزی‌ها باید مبتنی بر اصول زیر باشد: ملاحظات امنیتی و دفاعی - کارایی و بازدهی اقتصادی - وحدت و یکپارچگی سرزمین - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای - حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی - حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور - توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی و رفع محرومیت‌ها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور.

سپس در بندهای ۳۴ تا ۳۶ پیام به ضرورت آمایش دفاعی پرداخته‌اند:

بند ۳۴. بهبود و تکمیل سازمانی و توزیع جغرافیایی نیروهای مسلح، متناسب با اندازه و نوع تهدید و آمایش سرزمینی

بند ۳۵. تقویت، توسعه و نوسازی صنایع دفاعی کشور با تأکید بر گسترش تحقیقات و سرعت‌دادن به انتقال فناوری‌های پیشرفته

بند ۳۶. توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج (عندلیب، ۱۳۸۰).

موقعیت راهبردی ایران در منطقه

جمهوری اسلامی ایران واقع در غرب آسیا، از شمال به کشورهای ارمنستان، جمهوری آذربایجان و دریای خزر و از شرق به ترکمنستان، افغانستان و پاکستان و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس و از غرب به عراق و ترکیه محدود است.

ایران با کشورهای تازه‌استقلال‌یافته در شمال، ۱۲۰۶ کیلومتر مرز مشترک (آبی و خشکی) دارد. مرز مشترک ایران و افغانستان در شرق کشور ۹۴۵ کیلومتر است. مرز مشترک ایران و پاکستان در شرق کشور ۹۷۸ کیلومتر است. در غرب کشور نیز مرز مشترک ایران و ترکیه، ۴۸۶ کیلومتر است. مرز مشترک ایران و عراق، ۱۶۰۹ کیلومتر است. به‌طور کلی جمع مرزهای رسمی ایران، ۴۱۱۳ کیلومتر خشکی و ۸۸ کیلومتر دریاچه و باتلاق و ۱۸۳۰ کیلومتر رودخانه است که جمع پیرامون کشور ۸۷۳۱ کیلومتر است.

موقعیت راهبردی ایران در غرب آسیا بی‌همتا است؛ زیرا تنها کشوری است که با داشتن دو منطقه بزرگ دریایی در شمال و جنوب، پلی مطمئن بین آسیا، اروپا، آفریقا و استرالیا از راه‌های خشکی و مسیرهای دریایی است.

ایران به سبب داشتن بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر سواحل به‌هم‌پیوسته در خلیج فارس و دریای عمان و وجود بنادر، پایانه‌های نفتی و منابع فراوان در فلات قاره، سواحل و جزایر در خلیج فارس، از ژئواستراتژیک دفاعی متمایزی برخوردار است.

در جنگ منطقه‌ای، صرف‌نظر از امکانات قدرت رقیب، این موقعیت برجسته از نظر عملیات پدافندی و آفندی شرایط ویژه‌ای را برای ایران فراهم می‌کند.

ویژگی‌های همسایگان ایران

ایران به‌همراه چین و پس از جمهوری فدراتیو روسیه، بیشترین تعداد همسایه را در جهان دارد. ایران با ۱۵ کشور مستقل و ۲۴ دولت، همجوار است. کشورهای اطراف ایران، در شمار دولت - ملت‌های پایدار تا بسیار ناپایدار هستند (زرقانی و همکار، ۱۳۸۹).

ناپایداری کشورها: دولت - ملت‌های بسیار ناپایدار در شمار واحدهای سیاسی مستقلی هستند که با تهدیدهای ناشی از به‌هم‌خوردن وحدت ملی و تمامیت ارضی خود روبه‌رو هستند، در حالی که در وضع دوم، دولت به‌معنای کشور و مملکت، از تعرض در امان و مورد پذیرش بیشتر شهروندان است، اما دولت به مفهوم نظام و رژیم سیاسی ناپایدار است.

عوامل زیر در ناپایداری دولت‌ها و نظام‌های سیاسی کشورهای پیرامونی ایران مؤثر بوده است: الف - نوپایی: به جز روسیه و ترکیه، عمر تأسیس هیچ‌یک از کشورهای همجوار ایران به یک قرن نمی‌رسد. در واقع پادشاهی‌ها و امیرنشین‌های خلیج فارس به جز عربستان، از نیمه دوم قرن گذشته به استقلال دست یافتند و چهار کشور همسایه شمالی، تنها از سال ۱۹۹۱ میلادی بر نقشه جغرافیایی سیاسی ظاهر شده‌اند.

نوپایی این دولت‌ها، زمینه نداشتن بلوغ سیاسی و نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانتقه‌ای را برای آنها فراهم آورده است. به همین دلیل، موج‌های کوتاه بحران‌زا سبب تنش و ناپایداری درونی آنها می‌شود.

ب - ناهمگنی: بیشتر دولت‌های همجوار ایران از نظر ترکیب زبانی - قومی، مذهبی و جمعیت، جزء دولت‌های ناهمگن هستند. غیر از عربستان و ارمنستان، بقیه این دولت‌ها با نیروهای قدرتمند مرکزگرایز و ناحیه‌گرایی نسبتاً شدیدی روبه‌رو هستند.

ج - تداخل علایق و منابع فرهنگی: تداخل علایق و منابع فرهنگی بیشتر کشورهای همجوار ایران با یکدیگر، در تکوین منابع بالقوه و پی‌درپی مشاجره و تنش‌های دو یا چندجانبه نقش بزرگی ایفا می‌کند. به‌عنوان نمونه، مسئله «کرد» در صدسال گذشته، همواره بستر مناسبی برای مناقشه، مشاجره و تنش‌های چندجانبه بوده است.

توسعه نیافتگی: دومین ویژگی همسایگان ایران، کمتر توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی اغلب آنهاست. غیر از روسیه، ترکیه و امارات عربی متحده که می‌توان آنها را در گروه کشورهای توسعه‌یافته و یا در حال توسعه جای داد، بقیه کشورها عقب‌مانده، توسعه‌نیافته و یا حداکثر در حال توسعه به‌شمار می‌روند؛ این درحالی است که همه این کشورها، حتی سه کشور یادشده، با توسعه نامتوازن بخشی یا منطقه‌ای روبه‌رو هستند.

تراکم دولت‌های ایدئوژیک: در همسایگی ایران، دولت‌هایی مانند عربستان دارای نظام ایدئولوژیک بوده و دو کشور آذربایجان و ارمنستان در مسیر ناسیونالیسم افراطی گام برمی‌دارند. امارات و قطر بخشی از هزینه‌های مدرسه‌های علمیه اهل تسنن را در شبه قاره و دیگر مناطق جهان تأمین می‌کنند. پاکستان نیز همواره در معرض برخوردهای فرقه‌ای به‌ویژه گروه شیعه و سنی است.

تنگناهای ارتباطی: افغانستان، ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان و ارمنستان در شمار کشورهای محصور در خشکی هستند. عراق نیز در شمار کشورهایی است که از نقطه نظر سرزمینی دارای ساحل نامناسب است. افزایش هزینه‌های تجارت بین‌الملل، وابستگی به کشور یا کشورهای معبر، امکان محاصره‌شدن تدارکاتی به‌هنگام بحران‌های ملی به‌ویژه زمان جنگ، قطع ناقص و یا عامل واردات و به‌طور کلی احتمال ایجاد اختلال در واردات کالاهای راهبردی از سوی کشورهای مجاور ساحلی و در مجموع ویژگی «گروگان‌بودن»، سیمای عمومی کشورهای محصور در خشکی است.

این‌گونه کشورها برای دستیابی بدون قید و شرط به ساحل، از راه‌های گوناگون حقوقی، دیپلماتیک و حتی نظامی، فشارهای پیاپی و سنگینی به همسایگان ساحلی خود وارد می‌کنند. نیاز به دسترسی مناسب این کشورها به دریای آزاد، همچنان بزرگترین تنگنای جغرافیایی بخشی از کشورهای همسایه ایران به‌شمار می‌رود.

فراوانی نظام‌های غیر دمکراتیک پیرامونی: بیشتر کشورهای همجوار ایران در حال تجربه مراحل نخستین مردم‌سالاری هستند و شهروندان آنها حقوق سیاسی اندکی دارند. بیشترین تراکم نظام‌های پادشاهی و امیرنشین جهان را می‌توان در جنوب خلیج فارس یافت. یعنی هنوز خاندان‌های حاکم، سرنوشت سیاسی و مدنی ملت‌هایشان را در کنترل دارند.

بدون شک در آینده نه‌چندان دور تقاضای ملت‌های منطقه برای دستیابی به حقوق سیاسی بیشتر، در اطراف ایران افزایش می‌یابد و امواج ناشی از تنش‌های گسترده آن، بر همبستگی‌های منطقه‌ای تأثیر خواهد گذاشت.

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای: نفت و گاز، ویژگی‌های ژئواستراتژیک و برخی عوامل دیگر زمینه اصلی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس - آسیای مرکزی و حتی پاکستان، افغانستان و عراق بوده است. درواقع، بیشترین تراکم حضور قدرت‌های بزرگ در جهان را می‌توان در مناطق پیرامونی ایران جستجو کرد.

تعدد دیدگاه‌های ژئوپلتیک: دولت‌های پیرامونی ایران نه‌تنها فاقد دیدگاه ژئوپلتیک و مجرد هستند، بلکه دیدگاه‌های آنها تحت تأثیر تاریخ، ایدئولوژی سیاسی، موقعیت جغرافیایی، تنگناهای ارتباطی و آرمان‌های ملی جداگانه و اغلب انحصاری، متعدد و متفاوت است.

تعدد دیدگاه‌های ژئوپلتیک از یک‌سو سبب کم‌رنگ‌شدن تفاهم‌ها و همکاری‌های نهادینه‌شده منطقه‌ای است و ازسوی دیگر تداخل و روی هم‌افتادگی مکانی و جغرافیایی این دیدگاه‌ها سبب افزایش تنش در سرتاسر این منطقه شده است. درواقع بیشترین تراکم و فشردگی تنش‌ها را می‌توان در حوزه‌های ژئوپلتیک خلیج فارس، غرب آسیا، قفقاز و آسیای مرکزی یافت.

ویژگی‌های سرزمین ایران

ایران خاستگاه یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری، سرزمینی با موقعیت جغرافیایی ممتاز و برخوردار از ذخایر طبیعی ارزشمند است. اصلی‌ترین ویژگی‌های سرزمین ایران عبارت است از:

- تمدن پرسابقه و فرهنگ غنی: سابقه سکونت بشر در این سرزمین به حدود ۱۲۰۰۰ سال پیش می‌رسد. عمر تمدن در آن بیش از ۷۰۰۰ سال است. نزدیک به ۳۰۰۰ سال نیز از سابقه مدیریت سازمانی و نظام اداری برخوردار بوده است.

- فرهنگ و تمدن: فرهنگ و تمدن این سرزمین سهم چشمگیری در گشودن افق‌های بلند در میراث علمی و فکری بشر داشته است.

- موقعیت جغرافیایی: ایران در مرز دو قاره آسیا و اروپا قرار دارد و از زمان‌های بسیار دور، پل ارتباط شرق و غرب بوده و در منطقه‌ای واقع شده است که به‌طورنسبی محل اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است.

- تعداد همسایگان: یکی از ویژگی‌های این سرزمین تعداد همسایگان است. گستره وسیعی که در گذشته سرزمین ایران به‌شمار می‌آمد، در حال حاضر بین ۱۵ کشور تقسیم شده است. همسایگی و نزدیکی با کشورهای محصور در خشکی از دیگر ویژگی‌های موقعیت جغرافیایی ایران است. تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای منطقه - اعم از هم‌مرز و یا در نزدیکی مرزها - کشورهای محصور در خشکی هستند که برای برقراری ارتباطات بین‌المللی و بین‌قاره‌ای ناگزیر به عبور از خاک ایران و یا استفاده از مرزهای آبی آن هستند.

وضعیت جغرافیایی

تنوع اقلیمی، مهم‌ترین ویژگی از لحاظ وضعیت جغرافیایی است. وضعیت توپوگرافی و تفاوت عرض جغرافیایی سبب شده است تا این سرزمین وسیع، از اقلیم‌های متفاوت، با آب و هوای بسیار گوناگونی برخوردار باشد. از نظر دمای هوا شاید از محدود کشورهایی است که مناطق جغرافیایی نزدیک به سردترین و گرم‌ترین نقاط ثبت‌شده در جهان را درون مرزهای خود دارد. در برخی از فصل‌های سال، اختلاف دمای نقاط مختلف این سرزمین به بیش از ۴۰ درجه سانتیگراد می‌رسد. از نظر آب و هوا کاملاً جزء مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان است. میزان بارندگی سالانه در کشور حدود ۲۴۰ میلی‌متر است که در مقایسه با میزان متوسط بارندگی در جهان (۸۶۰ میلی‌متر) کشوری کم‌آب تلقی می‌شود. بین مناطق شمال و غرب در مقابل جنوب، مرکز و شرق کشور از نظر آب و هوا تفاوت آشکاری وجود دارد. دو رشته کوه البرز در شمال و زاگرس در غرب مانعی در راه رسیدن ابرهای باران‌زا به دشت‌های مناطق مرکزی، جنوبی و شرقی کشور ایجاد می‌کند. از نظر نظام‌های زیست‌محیطی و گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری، کوه‌های مرتفع با برف دائم، اراضی پست نیمه‌گرمسیری، جنگل‌های مرطوب شمال و بیابان‌ها و صحرای‌های خشک در ناحیه مرکزی و جنوبی سبب پیدایش طیف وسیعی از زیست‌بوم‌های گوناگون شده است. در کشور ایران حدود هزاران گونه گیاه شناسایی شده که نزدیک به یک پنجم آنها بومی این سرزمین است. تنوع گونه‌های جانوری نیز از زیست‌انواع بسیاری موجودات در این سرزمین حکایت می‌کند که معادل تنوع تمام گونه‌ها در قاره اروپا است.

موقعیت طبیعی: مهم‌ترین ویژگی ایران از دید منابع طبیعی استقرار آن بین دو حوزه اصلی تأمین انرژی جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. ایران از نظر ذخایر نفتی ششمین و از نظر ذخایر گاز دومین کشور جهان به‌شمار می‌رود. طیف بسیار گونه‌گونی از ذخایر معدنی در سرتاسر سرزمین ایران گسترده است و از این نظر یکی از غنی‌ترین سرزمین‌های جهان از لحاظ منابع طبیعی به‌شمار می‌آید. تقریباً ۵۲ عنصر عمده معدنی در این سرزمین وجود دارد و به‌ویژه از نظر عناصر راهبردی، از ذخایر قابل ملاحظه در سطح جهان برخوردار است.

الگوی سکونت: مهم‌ترین ویژگی سرزمین از لحاظ وضعیت اسکان جمعیت، دوگانگی در نواحی شمال غربی و جنوب شرقی ایران است. این کشور دارای هشتاد و پنج میلیون نفر جمعیت است که نزدیک به ۹۰ درصد آن در دامنه‌های دو رشته کوه البرز و زاگرس در منطقه‌ای حدود ۴۵ درصد سرزمین ساکن هستند و ۱۰ درصد بقیه در ۵۵ درصد از نواحی خشک مرکزی، جنوبی و شرقی به‌سر می‌برند. نزدیک به ۶۲ درصد از جمعیت، ساکن شهرها و بقیه در مناطق روستایی ساکن هستند. بخش کمی از جمعیت نیز به‌صورت جامعه عشایری زندگی می‌کنند. از ۶۲ درصد جمعیت شهرنشین حدود ۴۰ درصد در ۹ شهر بزرگ، ۴۰ درصد در شهرهای متوسط و ۲۰ درصد در ۴۹۳ شهر کوچک کمتر از ۵۰ هزار نفر سکونت دارند. ۳۸ درصد جمعیت در ۶۵ هزار نقطه روستایی ساکن هستند. در سطح ملی، ۱۷ درصد کل جمعیت شهرنشین کشور در شهر تهران ساکن هستند. در خراسان، شهر مشهد به‌تنهایی دارای جمعیتی معادل جمعیت دیگر نقاط شهری استان است. توزیع شهرهای متوسط و بزرگ در قالب توزیع جغرافیایی جمعیت در کشور تا اندازه‌ای متعادل است و کمابیش در سراسر قلمروهای تحت سکونت جمعیت، به‌ویژه در شهرهای متوسط و بزرگ، امکانات خدماتی و زیستی مناسب و متعادلی وجود دارد.

جمعیت و منابع انسانی: مهم‌ترین ویژگی سرزمین از نظر ساخت جمعیتی، جوان بودن آن است. بیش از ۷۵ درصد کل جمعیت کشور در سن فعالیت یعنی ۱۰ سال و بیشتر هستند. حدود ۵۰ درصد آن کمتر از ۲۰ سال سن دارند. علاقه به کسب دانش‌های نوین، میزان مطلوب هوشمندی و آموزش‌پذیری در میان اقوام گوناگون سرزمین سبب شده است که بخش قابل توجهی از جمعیت کشور، دارای تخصص و مهارت باشند. جمعیت سرزمین متشکل از اقوام فارس، لر، ترک، بلوچ، کرد، عرب و... است. مهم‌ترین ویژگی فرهنگی سرزمین، همگونی اقوام گوناگون جمعیتی آن است که می‌تواند منشأ اصلی تداوم وحدت ملی و یک‌پارچگی سرزمین تلقی شود.

تحلیل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی امنیت ملی ایران: چهار مزیت عمده کشور: موقعیت منطقه‌ای (ایران در مرکزیت سه قاره)، منابع انرژی، منابع معدنی و منابع انسانی.

چالش: نبود تعادل بین دو نیمه غربی - شمالی با شرقی - جنوبی کشور از لحاظ نسبت وسعت به جمعیت روستایی و شهری و اشتغال، راه‌ها و بهره‌مندی از منابع انرژی و معدنی، امکانات بیمارستانی، مراکز آموزشی، هتل‌ها و امکانات گردشگری.

رابطه بین عوامل جغرافیایی سرزمین ایران و دفاع و امنیت: بررسی رابطه بین ویژگی‌ها و عوامل جغرافیایی سرزمین ایران با مسائل دفاع و امنیت سرزمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در هر نوع طرح‌ریزی دفاعی و امنیتی باید مورد توجه قرار گیرد. این موارد عبارت است از:

- موقعیت جغرافیایی ایران در منطقه و در جهان، الگوی ترکیبی جمعیت، مرزهای مشترک طولانی خشکی و آبی، رودخانه‌های میان‌کشوری، اعم از رودهایی که سرچشمه آنها در ایران قرار دارد و رودهایی که از کشورهای همسایه سرچشمه می‌گیرد و وارد ایران می‌شود. این رودخانه‌ها می‌تواند منشأ اختلافات با کشورهای همسایه شود.

- عشایر کوچنده میان مرزی و تداوم سرزمین در بیلاق و قشلاق در طرفین مرز، منابع مشترک با همسایگان، مانند منابع نفتی مشترک با عراق در مناطق نفت‌شهر (سومار) و بزرگان (ارتفاعات مرزی حمیرین روبروی موسیان) و حوزه نفتی مجنون (طلائیه) و حوزه نفتی مبارک و منابع سنگ‌آهن سنگان خواف (مرز افغانستان شهرستان خواف).

- کمبود منابع آب

- وابستگی کشور به تنگه هرمز، از لحاظ نفتی تقریباً ۱۰۰٪ و از لحاظ تجارت خارجی و صادرات و واردات حدود ۸۵٪ به این تنگه راهبردی وابسته است

- گسیختگی و نبود یکپارچگی سرزمین: بعضی از نقاط ایران از مراکز جمعیتی و تدارک‌رسانی دور و یا خالی از سکنه هستند - (مانند کویرهای لوت و مرکزی) - وضعیت ژئوپلیتیکی، کشورهای همسایه ایران - تعارض منافع در خارج از مرزها - محصوربودن عده‌ای از همسایگان ایران در خشکی - داشتن موقعیت کانونی برای جذب آوارگان افغانی، عراقی و... که به ماهیت سیاسی کشور بستگی دارد - عامل جمعیت، از دید کمیت و کیفیت - اقتصاد تک‌محصولی، بر پایه نفت که تأثیر منفی روی امنیت دارد - وابستگی غذایی و تأمین بعضی مواد اولیه برای کارخانجات تولیدی و تسلیحات پیشرفته نظامی (صفوی، ۱۳۸۳).

تحلیل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قدرت ملی ایران

تحلیل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی قدرت ملی در ایران با تأکید بر ویژگی‌ها و عوامل جغرافیایی مؤثر بر افزایش و کاهش قدرت ملی ایران است که در ادامه به بیان این موارد پرداخته می‌شود:

– ویژگی‌ها و عوامل جغرافیایی مؤثر بر افزایش قدرت ملی ایران

موقعیت جغرافیایی و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز، برگ برنده ایران در سیاست خارجی است که می‌توان از آن استفاده کرد. در صورت کاهش وابستگی کشور در صادرات نفت به تنگه هرمز، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عامل قدرت برتر مطرح خواهد شد. ویژگی‌های حاکمیت و تسلط بر نیمی از خلیج فارس و تنگه هرمز، داشتن منابع طبیعی مانند نفت، گاز، معادن فلزی و سنگ‌های تزئینی، زیادبودن وسعت و سرانه فضایی کشور، تنوع اقلیمی کشور و الگوهای گوناگون کشاورزی، منابع آب شیرین در حاشیه ایران، منابع انرژی خورشیدی، حوزه نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی در اطراف ایران مانند پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی و در واقع جهان اسلام، وفاداری ملت به نظام اسلامی (نظام سیاسی)، جمعیت و نقش آن در دفاع از عوامل مؤثر بر ارتقای قدرت ملی قلمداد می‌شود.

– ویژگی‌ها و عوامل جغرافیایی مؤثر در کاهش قدرت ملی ایران

عواملی همچون بستر ناامن و وقوع حوادث طبیعی (زلزله و سیل)، بستر ناامن اجتماعی همسایگان در شرایط جنگ و گریز، وابستگی غذایی و تسلیحاتی، موقعیت کم و بیش تک‌نقش و تک‌محصولی در اقتصاد بین‌الملل، وابستگی فناورانه، جمعیت زیاد و منابع نیروی انسانی تجهیز شده و سربار، کاهش بهره‌وری منابع مالی اعتباری و انسانی به‌دلیل تجزیه آنها از راه گسترش سازمان‌ها و نهادهای اداری در حال تکثیر، نظام اداری پر حجم، متمرکز و هزینه‌بر، الگوی نامتعادل توزیع جمعیت و تحرک غیرمنطقی آنها از ویژگی‌های مؤثر بر تنزل قدرت ملی به‌شمار می‌رود.

رابطه آمایش با امنیت و دفاع

اساس هر برنامه‌ریزی فضایی، آمایش سرزمین است. اقداماتی که برای انجام دفاع نظامی و آمادگی برای حفاظت مردم در مواقع رویارویی‌های نظامی ضرورت پیدا می‌کند، نیازمند آمایش و توسعه مناسب فضا است. از این‌رو توجه به مقتضیات دفاع غیرنظامی و نظامی در تدابیر انتخاب عرصه مناسب مورد تأکید قرار گرفته و لذا یافتن راهکارهای رسیدن به این هدف ضروری است و جز در سایه مراعات ملاحظات امنیتی - دفاعی در مکان‌گزینی‌ها امکان‌پذیر نیست. هدف آمایش سرزمین در رابطه با بخش دفاع استقرار بهینه واحدهای نظامی در فضا برای تأمین بیشترین امکان دفاع و

حداقل آسیب‌پذیری است. از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ منابع حیاتی و دفاع سرزمینی را به‌عهده نیروهای مسلح گذاشته است، تأمین اهداف دفاعی و نظامی، پاسخ‌گویی مناسب و به‌موقع به تهدیدات در چارچوب مبانی و اصول، جزء وظایف اصلی این بخش است (طحانی، ۱۳۹۶: ۳۰). آمایش سرزمین ابعاد ارزشی، سیاسی، علمی، هنری و دفاعی - امنیتی دارد. یکی از مهم‌ترین ابعاد و ملاحظات آمایش سرزمین، بعد دفاعی - امنیتی آن است. تاکنون در طرح‌های گوناگون آمایش، دیدگاه‌ها بیشتر بر توسعه تأکید داشته و به ملاحظات دفاعی - امنیتی برای دفاع سرزمینی و حفاظت از مراکز جمعیتی، تأسیسات و امکانات حسّاس و حیاتی توجه مناسبی نشده است. رعایت ملاحظات دفاعی - امنیتی در طرح‌های آمایشی تابع متغیرهای متعددی است که باید در این‌گونه طرح‌ها مورد توجه قرار گیرد. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد نظر، نوع و سطح تهدیدات نظامی و امنیتی متوجه این منطقه، راهکارها و طرح‌های پدافند غیر عامل متناسب با نوع تهدیدات و شرایط خاص منطقه، مهم‌ترین این متغیرها است. استان‌های مرزی کشور، دارای موقعیت، شرایط و ویژگی‌های خاص بوده و تفاوت‌های سیاسی - فضایی با دیگر استان‌های داخل کشور دارد، از این‌رو در طرح‌های آمایش استان‌های مرزی، باید ملاحظات دفاعی - امنیتی متناسب با این ویژگی‌ها تدوین و اجرا شود (زرقانی، ۱۳۸۹: ۲۴).

ضوابط ملی آمایش سرزمین

ضرورت و اهمیت آمایش سرزمینی در حوزه بخشی و استانی در مسیر توسعه متوازن و پایدار همواره مورد تأکید است، که در همین راستا به ضوابط برنامه‌ریزی و اجرایی جهت‌گیری‌های ملی و راهبردهای آن در قالب ۱۵ ماده اشاره شده است (مطالعات آمایش سرزمین، ۱۳۸۳).

در محتوای این ضوابط به جهت‌گیریهایی ملی آمایش سرزمین که در راستای تبیین فضایی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و ترسیم الزامات تحقق آن در توسعه بلندمدت کشور و مبتنی بر اصول مصوب آمایش سرزمین شامل ملاحظات امنیتی و دفاعی، کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی - ایرانی و نگهداری میراث فرهنگی، آسان‌سازی و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور، رفع محرومیت‌ها، به‌ویژه در مناطق روستایی کشور تأکید شده است. کاهش تمرکز و تراکم جمعیت و فعالیت در مناطق پرتراکم کشور، به‌ویژه کلان‌شهرها و مهار روند رو به رشد جمعیت و فعالیت‌ها در این مناطق، ایجاد شبکه‌های سازمان‌یافته از شهرهای بزرگ

و متوسط کشور و تجهیز آنها به گونه‌ای که بتواند در سطوح منطقه تحت نفوذ خود بخشی از وظایف دیگر شهرها را به عهده گرفته و در راستای تمرکززدایی در تقسیم کار ملی و منطقه‌ای، مشارکت کند توسعه علوم، آموزش، پژوهش و فناوری و گسترش و تجهیز مراکز آموزشی، پژوهشی، شهرک‌ها و پارک‌های علمی - فناوری کشور (با تأکید بر توسعه فناوریهای نوین، مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، زیست‌فناوری، نانوفناوری و...) متناسب با نیازهای ملی و منطقه‌ای و با تکیه بر توانمندی‌ها و استعدادهای بومی هر منطقه. تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی استان‌ها و مناطق کشور با محدود کردن توسعه کمی سطوح پایین آموزش عالی به نفع سطوح بالاتر و ارتقای سطح کیفی مؤسسات آموزش عالی و مراکز پژوهشی و فناوری آنها. توسعه و تجهیز گزیده‌ای از محورهای اصلی ارتباطی کشور در کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی شمالی - جنوبی و شرقی - غربی کشور به عنوان محورهای اولویت‌دار در توسعه، برای استفاده مناسب از موقعیت ممتاز ارتباطی کشور با تأکید بر تمرکززدایی ارتباطی از تهران و استفاده از مسیرهای جایگزین. زمینه‌سازی لازم برای بیشترین استفاده از ظرفیت‌ها و توان‌های مراکز جمعیتی کوچک و پراکنده (روستاها، روستا - شهرها، شهرهای کوچک) در حفظ و نگهداشت جمعیت و برقراری تعادل در الگوی استقرار جمعیت با متنوع‌سازی فعالیت‌ها، ایجاد اشتغال و افزایش نقش فعالیت‌های صنعتی و خدماتی قابل استقرار در این مراکز. توسعه زیرساخت‌ها و شبکه‌های زیربنایی، به‌ویژه تأمین منابع آب و خدمات اجتماعی متناسب با سهم فعالیت و جمعیت پیش‌بینی شده برای مناطق و استان‌های کمتر توسعه‌یافته کشور. ایجاد تعادل نسبی در توزیع و ترکیب جمعیت در سطح کشور با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در محور شرق، جنوب و مناطق کم‌جمعیت مرکزی و استقرار ارادی جمعیت در مناطق راهبردی و کانون‌های دارای قابلیت توسعه. تعادل بخشی به توزیع جمعیت و فعالیت متناسب با منابع، توان محیطی و ظرفیت تحمل زیست‌بومها با تأکید بر ابعاد اجتماعی وظایف توسعه‌ای دولت در مناطق غربی و شمالی و تمرکز بر ایجاد ظرفیت‌های فیزیکی و اجتماعی مورد نیاز توسعه در مناطق شرقی، جنوبی مناطق کم‌جمعیت مرکزی کشور. گسترش تعامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون و بین منطقه‌ای در راستای تقویت همبستگی ملی. رعایت ملاحظات «امنیتی و دفاعی»، «حفاظت از محیط زیست» و «حراست از میراث فرهنگی» در استقرار جمعیت و فعالیت، به‌ویژه در محدوده‌هایی که باتوجه به ملاحظات یادشده، محدود کردن و یا تسریع توسعه در آنها الزامی است. تأکید خاص بر آمایش مناطق مرزی برای بهبود

شرایط زندگی و افزایش سطح توسعه این مناطق به منظور ارتقای امنیت مرزهای کشور. رعایت اصول ایمنی و الگوی پدافند غیرعامل مانند استفاده از شرایط جغرافیایی و عوارض طبیعی، پراکندگی مناسب در پهنه سرزمین، انتخاب عرصه‌های امن به لحاظ سوانح طبیعی و غیر مترقبه و انتخاب مقیاس بهینه در استقرار جمعیت و فعالیت‌ها در راستای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات و بهره‌مندی از پوشش مناسب دفاعی. توسعه رفاه و تأمین اجتماعی در مناطق گوناگون کشور و برقراری تعادل در شاخص‌های اصلی آن در سطح ملی با تأکید بر توانمندسازی اقتصادی اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر و اجرای سیاست‌های جبرانی کاهش فقر و ارتقای رفاه اجتماعی براساس مشارکت مردم. گسترش آموزش و بهداشت، به‌ویژه برای زنان و جوانان در مناطق کمتر توسعه‌یافته و گروه‌های اجتماعی در معرض خطر به منظور ارتقای کیفیت منابع انسانی و جلوگیری از تولید نسل‌های ناسالم. ساماندهی و هدایت هدفمند جریان مهاجرت‌ها از راه: الف - ایجاد زمینه‌های اشتغال، فعالیت و سرمایه‌گذاری و جذب و نگهداشت نیروهای کارآفرین در مناطق مهاجر فرست دارای قابلیت. ب - ساماندهی مراکز جدید اشتغال و اسکان مهاجران در مناطق دارای توان پذیرش جمعیت متناسب با سرمایه‌گذاری‌های جدید تولیدی و خدماتی.

تحول ساختار بخش کشاورزی در راستای دستیابی به کشاورزی پایدار، مدرن و رقابتی و توسعه بخش‌های صنعت و خدمات. استفاده پایدار از امکانات طبیعی و آب و خاک برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنایع وابسته و تبدیلی مرتبط با آن در نواحی مستعد کشاورزی به‌ویژه در نواحی شمالی، غربی و جنوب غربی کشور در راستای دستیابی به امنیت غذایی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی.

توجه به محدودیت‌های آب برای مصارف کشاورزی با تأکید بر:

الف - افزایش بهره‌وری آب با استفاده از مهار آب، شیوه‌های نوین آبیاری، توسعه شیوه‌های تولید متراکم و گلخانه‌ای در مناطق کم‌آب کشور

ب - افزایش سهم فعالیت‌های صنعتی، معدنی و خدماتی برای جذب و نگهداشت جمعیت در این مناطق

ج - انتقال درون و بین‌حوضه‌ای آب با توجه به حفظ تعادل‌های محیطی، برای مصارف شرب، خدمات و صنعت

توسعه بهره‌برداری از امکانات معدنی کشور به‌عنوان یکی از مزیت‌های نسبی سرزمین با تأکید بر بیشینه‌کردن عملیات فرآوری معدنی و کاهش صادرات مواد خام معدنی به‌گونه‌ای که به افزایش سهم این بخش در اقتصاد ملی بینجامد.

تأکید بر توسعه صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع و معدنی (ذوب فلزات و کانی‌های غیر فلزی)، صنایع مرتبط با حمل و نقل و صنایع ICT به‌عنوان صنایع اولویت‌دار، باتوجه به مزیت‌های نسبی کشور در این صنایع.

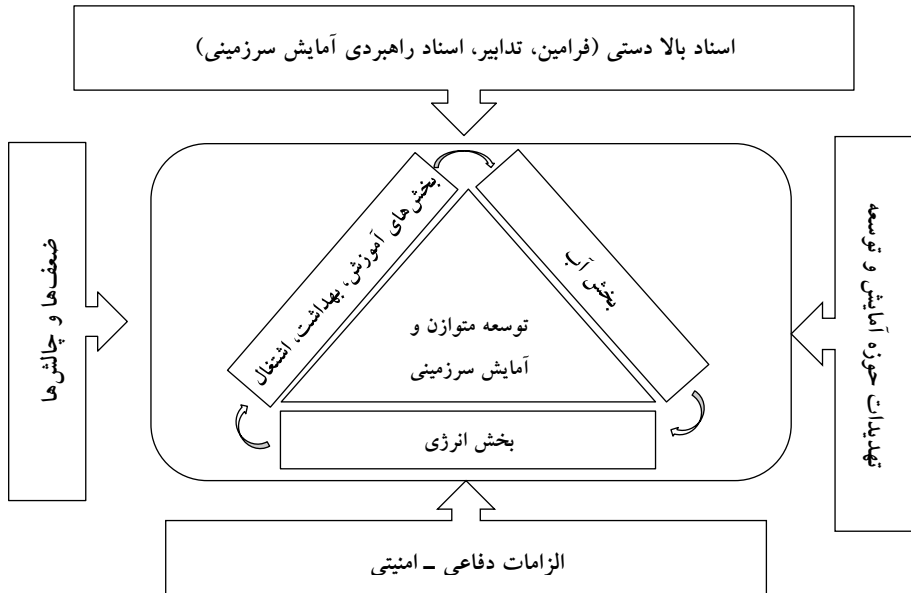
افزایش ظرفیت‌های اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و استفاده از این منابع در راستای توسعه فعالیت‌های صنعتی مبتنی بر تقویت صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز و تکمیل زنجیره‌های تولید. تأکید بر توسعه فعالیت‌های صنعتی مبتنی بر نفت و گاز در مناطق روبه‌رو با محدودیت‌هایی برای توسعه دیگر فعالیت‌های اقتصادی و برخوردار از اهمیت راهبردی از جمله مناطق کمتر توسعه‌یافته جنوب شرقی کشور، سواحل خلیج فارس و دریای عمان و مناطق کمتر توسعه‌یافته غرب کشور باتوجه به خطوط انتقال مواد و فراورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی و امکان توسعه آنها. توجه ویژه به صنایع انرژی‌بر در ترکیب مزیت نسبی برخوردار از ذخایر معدنی و مزیت نسبی برخوردار از منابع انرژی، به‌ویژه گاز و استقرار آنها در نقاط واقع بر کریدورها و محورهای حمل و نقل بین‌المللی با اولویت استقرار در مناطق تخصصی انرژی در سواحل خلیج فارس با هدف توسعه صادرات. توسعه صنایع پشتیبان حمل و نقل شامل صنایع خودروسازی، واگن‌سازی، تجهیزات راه آهن و صنایع حمل و نقل هوایی در مراکز و نواحی مستعد. توسعه صنایع تولید کالاهای مورد نیاز کشورهای منطقه با اولویت استقرار در کنار بازارهای مصرف این کشورها در استان‌های مرزی. تحول بنیادی در ساختار بخش خدمات و افزایش سهم خدمات نوین و دانش‌پایه با تأکید بر توسعه، خدمات پشتیبان تولید، خدمات گردشگری، خدمات بازرگانی، بانکی و بیمه‌ای، حمل و نقل و ترانزیت و استفاده از فناوریهای نوین در این بخش، متناسب با نقش و جایگاه بین‌المللی کشور. ارتقای جایگاه صنعت گردشگری در اقتصاد ملی از راه استفاده از ظرفیت‌های طبیعی، تاریخی و میراث فرهنگی کشور. بازتعریف نقش و وظایف مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی باتوجه به ویژگی‌های مناطق کشور و با هدف تقویت تعامل لازم بین عملکرد اقتصاد کشور با اقتصاد جهانی، تأمین سرمایه مورد نیاز، ارتقای سطح فناوری و گسترش و تضمین بازارها.

به منظور ایجاد هماهنگی در تنظیم راهبردهای آمایش سرزمین و نظارت پیوسته بر اجرای آن «شورای آمایش سرزمین» با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (رئیس شورا)، رئیس مرکز ملی آمایش سرزمین (دبیر شورا) و عضویت ثابت یکی از معاونان وزارتخانه‌های نیرو، راه و ترابری، مسکن و شهرسازی، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، نفت، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، امور اقتصادی و دارایی، کشور، بازرگانی، امور خارجه، رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان‌های حفاظت محیط زیست و گردشگری و میراث فرهنگی و رئیس شورای عالی استان‌ها تشکیل می‌شود.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف شده در راستای تحقق موارد یادشده، «مرکز ملی آمایش سرزمین» را متناسب با جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور ایجاد کرده و نهاد پژوهشی متناظر با این جایگاه را برای تقویت زمینه‌های علمی و فنی آمایش سرزمین و ارتقای مهارت‌های تخصصی نیروهای مورد نیاز تدارک ببیند. مرکز ملی آمایش سرزمین نیز موظف شده با استفاده از امکانات نظارتی کشور روند تغییرات جمعیت و فعالیت و تحولات در سازمان فضایی کشور را بررسی و با جهت‌گیری‌های ملی آمایش سرزمین مقایسه و مغایرت‌های اساسی را مشخص کرده و گزارش آن را به شورای آمایش سرزمین ارائه کند.

چارچوب نظری و الگوی مفهومی

با بررسی و مطالعه نظریه‌ها، اسناد و مدارک، ضوابط و مقررات و دستورالعمل‌ها و اسناد بالادستی (شامل آموزه‌های دینی، فرامین، تدابیر، اسناد راهبردی آمایش سرزمینی)، تهدیدات آمایش و توسعه (شامل عوامل تهدید ازسوی همسایگان و بیگانگان، ضعف‌های موجود و چالشهای فقر و توسعه‌نیافتگی و نبود توازن در برخورداری از امکانات و فرصت‌های ملی و منطقه‌ای)، الزامات دفاعی - امنیتی رویارویی با نفوذ بیگانگان و ارتقای بستر همگرایی با حاکمیت و هم‌چنین بخش‌های اصلی مد نظر این پژوهش (شامل آب، انرژی، آموزش و بهداشت و اشتغال) می‌توان چارچوب نظری و الگوی مفهومی پژوهش را به‌منظور درک صحیح و ساده شاکله و الگوی انتزاعی ویژگی‌ها و روابط بین آنها به‌صورت شکل ۱ ترسیم کرد.



شکل ۱. الگوی مفهومی و چارچوب نظری پژوهش

روش پژوهش

باتوجه به کاربردی بودن نتایج پژوهش و هم‌چنین توصیف شرایط موجود عوامل محیطی مورد مطالعه و بررسی، نوع پژوهش از نظر هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی (زمینه‌ای موردی) با رویکرد کیفی است.

روش و ابزار گردآوری داده‌ها

به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش از روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری از اسناد و مدارک و منابع در دسترس و هم‌چنین روش میدانی با استفاده از ابزار مصاحبه با صاحب‌نظران مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه آماری و مورد مطالعه

اسناد و مدارک و وبگاه‌های مستند و در دسترس در زمینه موضوع و هم‌چنین صاحب‌نظران این حوزه به‌عنوان جامعه آماری و مورد مطالعه تعیین شد؛ هم‌چنین ۱۵ نفر مصاحبه‌شوندگان به‌صورت گزینشی و به‌روش گلوله برفی تا حد اشباع نظری که ویژگی‌های مد نظر پژوهشگر را داشتند، به‌عنوان صاحب‌نظران تعیین شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها و اطلاعات دریافتی از راه ابزار معرفی شده جمع‌آوری داده‌ها و نشست‌های پنل خبرگی، به صورت کیفی (دسته‌بندی، پردازش و استنتاج) تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی شده است.

یافته‌های پژوهش

پس از بررسی و مطالعه منابع و اسناد و مدارک بیان‌شده در بخش مبانی نظری و ادبیات پژوهش، عوامل مورد نظر در قالب ضعف‌ها و قوت‌ها مشخص شد و به تأیید گروه خبرگان و مصاحبه‌شوندگان رسید. چنانچه ضعف‌ها برطرف یا رفع نشود و در صورت تداوم شرایط به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار و نواحی مرزی این عوامل به‌مرور و با دخالت بیگانگان به تهدید برای منافع و امنیت ملی تبدیل شده و در نتیجه کشور با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد. در ادامه جدول‌های عوامل محیطی براساس مطالعه منابع و مصاحبه با صاحب‌نظران آورده شده است.

جدول ۱. فهرست قوت‌ها

ردیف	عامل (قوت‌ها)	شناسه
۱	حاکمیت و تسلط بر نیمی از خلیج فارس و تنگه هرمز	S1
۲	فراوانی منابع طبیعی مانند نفت، گاز، معادن فلزی و سنگ‌های تزئینی	S2
۳	زیادبودن گستره و سرانه فضایی کشور	S3
۴	گونه‌گونی اقلیمی کشور که می‌توان توسط آنها الگوهای گوناگون کشاورزی داشت.	S4
۵	زمین‌های حاصلخیز و منابع آب شیرین	S5
۶	امکان بهره‌برداری از منابع بزرگ انرژی خورشیدی به واسطه شرایط اقلیمی به‌ویژه دشت‌های کویر	S6
۷	حوزه نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی در اطراف ایران مانند پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی و در واقع جهان اسلام	S7
۸	وفاداری ملت به نظام اسلامی (نظام سیاسی)	S8
۹	جمعیت و نقش آن در دفاع (تجربه تاریخی دوران دفاع مقدس)	S9

جدول ۲. فهرست ضعف‌ها

ردیف	عامل (ضعف‌ها)	شناسه
۱	بستر ناامن و حوادث طبیعی (زلزله و سیل)	W1
۲	بستر ناامن اجتماعی همسایگان در شرایط جنگ و گریز	W2
۳	وابستگی نسبی غذایی، دارویی و تسلیحاتی	W3
۴	موقعیت کمابیش تک‌نقش و تک‌محصولی در اقتصاد بین‌الملل	W4
۵	وابستگی به فناوری پیشرفته در بسیاری از حوزه‌ها	W5
۶	جمعیت نسبتاً زیاد و منابع نیروی انسانی تجهیز شده و سربار	W6
۷	کاهش بهره‌وری از منابع مالی اعتباری و انسانی به دلیل تجزیه آنها از راه گسترش سازمان‌ها و نهادهای اداری در حال تکثیر	W7
۸	نظام اداری پرحجم، متمرکز و هزینه‌بر و بدون بهره‌وری لازم	W8
۹	الگوی نامتعادل توزیع جمعیت و تحرک غیرمنطقی آنها در گستره جغرافیای سرزمینی	W9
۱۰	وابستگی به خارج در حوزه فناوری مرتبط با صنعت نفت و گاز	W10
۱۱	وجود پیک مصرف و نامتعادل بودن تولید انرژی در بیشتر مواقع سال به‌ویژه فصل سرما	W11
۱۲	توسعه صنایع همراه با مصرف بی‌رویه انرژی	W12
۱۳	تلفات انرژی در تولید، توزیع، انتقال و مصرف آن	W13
۱۴	نبود دالان‌های انرژی به‌منظور استقرار صنایع انرژی‌بر	W14
۱۵	ضعف مدیریت ملی آب کشور	W15
۱۶	نبود توازن و نبود معیار و الگوی مناسب بهره‌برداری از منابع آب کشور	W16
۱۷	برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی	W17
۱۸	نبود هماهنگی طرح‌های آمایش سرزمین	W18
۱۹	مصرف بی‌رویه نفت و انرژی	W19
۲۰	صادرات مواد خام و نبود صنایع تبدیلی کافی	W20

جدول ۳. فهرست چالش‌ها

ردیف	چالش	شناسه
۱	چالش‌های داخلی اقتصادی، فساد و تورم افسارگسیخته	C1
۲	چالش‌های اجتماعی و قومیتی به‌ویژه در نواحی مرزی	C2
۳	چالش‌های محیطی و نهادی و وجود واگرایی جمعیت مرزنشین نسبت به دولت مرکزی	C3
۴	محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی روزافزون	C4
۵	چالش‌های جهانی شدن، روندهای بین‌المللی کاهش آلودگی	C5
۶	تأثیرات منفی برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر کشورهای در حال توسعه	C6
۷	خصوصی‌سازی و نقش شرکت‌های بین‌المللی در صنعت نفت	C7
۸	بازار جهانی نفت و تغییرات قیمت نفت	C8
۹	تحریم خرید نفت ایران و از دست رفتن خریداران اصلی	C9
۱۰	وجه غالب اقتصاد دولتی (و خصوصی) و فراهم‌نبودن عرصه رقابت‌بخش خصوصی (مانند صنعت خودروسازی)	C10

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

راهبردها، راهکارها و الزامات اجرایی به‌دست‌آمده از عوامل مورد اشاره در جدول‌ها طی فرایند پژوهش مبتنی بر اصول آمایش سرزمین در راستای توسعه متوازن پایدار و عدالت‌محور و به‌منظور رفع ضعف‌ها و دفع تهدیدها (و در نتیجه برون‌رفت از چالش‌ها) در بخش‌های اصلی مورد نظر پژوهش شامل آب، انرژی، آموزش و بهداشت به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) الزامات و راهبردهای بلندمدت توسعه بخش آب

- تقویت مدیریت ملی آب کشور بر اساس مدیریت جامع و توأمان عرضه و تقاضا در تمام چرخه آب با توجه به اصول آمایش سرزمین و توسعه پایدار در حوضه‌های آبریز مشترک همراه با هماهنگی-های متقابل بین‌بخشی با بخش پایه‌ای آب

- بهره‌برداری از منابع آب کشور در هر یک از حوضه‌های آبریز با رعایت ظرفیت تحمل منابع آب در راستای تثبیت میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی و توسعه برداشت از آب‌های سطحی و غیر متعارف (استفاده از آب شیرین‌کن، آب‌های شور و لب‌شور و بازیافت پساب‌ها) براساس اصول توسعه پایدار و با توجه به تأمین نیاز محیط‌های طبیعی آبی در سطح حوضه‌های آبریز

- هماهنگ‌سازی طرح‌های آمایش سرزمین، توسعه کالبدی و برنامه‌های توسعه‌بخش آب باتوجه به ظرفیت تحمل حوضه‌های آبریز و امکانات توسعه آب در مناطق گوناگون کشور به‌لحاظ کمی و کیفی و توزیع مکانی و زمانی آن از نظر هزینه فرصت و تعیین ارزش سرمایه‌گذاری‌های در زمینه انتقال، توزیع و تأمین و بازیافت آب در بخش‌های گوناگون

- اصلاح و بهبود ساختار نظام مصرف آب و مدیریت آن با تأکید بر طرح‌های انتقال بین‌حوضه‌ای با اولویت تخصیص‌های جدید آب به مصرف شرب و بهداشت، صنعت و خدمات و کاهش سهم مصارف آب کشاورزی (با افزایش بهره‌وری آبیاری و تخصیص آب با ارزش اقتصادی بیشتر) با در نظر گرفتن ارزش اقتصادی تولیدات و الزامات توسعه پایدار منابع، رعایت منافع ملی و حقوق طبیعی شهروندان

- هماهنگی و یکسان‌سازی واحد مطالعات آبی و اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های در دست مطالعه انتقال بین‌حوضه‌ای و ایجاد سدهای مخزنی براساس راهبردهای توزیع جمعیت و فعالیت و الزامات آمایش سرزمین

- پیگیری دریافت حقاچه هیرمند از افغانستان در راستای توسعه پایدار استان سیستان و بلوچستان، تبادل آب با کشورهای همجوار با رعایت توجه به نکات فنی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی براساس ارزش اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی آب در بازارهای منطقه و منافع ملی

- مهار، کنترل و بهره‌برداری روان‌آبهای سطحی از راه اجرای سدهای مخزنی، تأسیسات کوچک آبی و طرح‌های آبخیزداری، ساماندهی رودخانه‌های مرزی با رعایت جنبه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی

- حفظ، احیا و بهره‌برداری پایدار از سازه‌های تاریخی آب

- جلوگیری از هدررفت آب در خطوط انتقال آب و شبکه‌های توزیع آب شهری و روستایی به‌عنوان اولویت اول فعالیت‌ها در مدیریت آبرسانی شهری و روستایی

- تسریع در انتقال بین‌حوضه‌ای و درون‌حوضه‌ای متناسب با توزیع جمعیت و فعالیت‌ها در سرزمین با رعایت مدیریت مصرف و با تأکید بر تأمین آب شرب و صنعت با اولویت تأمین آب در حوضه‌های شمال شرق، شرق و کویر مرکزی و جنوب و استفاده از آب شیرین‌کن و آب‌های غیر متعارف باتوجه به تغییر الگوی جمعیتی در مناطق کمتر برخوردار از منابع آب

ب) الزامات و راهبردهای بلند مدت توسعه بخش انرژی

- کاهش مصرف نفت و جایگزینی گاز به جای مواد نفتی به عنوان مواد اولیه در بخش صنعت و سوخت مصرفی در نیروگاه‌ها و صنایع
- جایگزینی صادرات مواد با ارزش افزوده زیاد به جای صادرات مواد خام
- اولویت در توسعه میدان‌های مشترک با تأکید بر ایجاد هماهنگی با طرف‌های روبه‌رو و سرمایه‌گذاری مشترک
- بومی‌کردن و تسلط بر فناوری مرتبط با صنعت نفت و گاز (از مرحله اکتشاف تا مرحله مصرف)
- افزایش ظرفیت تولید نفت با تأکید بر الزامات برداشت صیانتی و تجهیز مبادی صدور
- ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با کشورهای همجوار در زمینه تبادل برق به منظور کاهش پیک مصرف و متعادل کردن تولید
- استفاده از ابزار تعرفه و قیمت به صورت پلکانی به منظور کاهش بی‌رویه مصرف و توسعه صنایع در مناطق گوناگون کشور
- کاهش تلفات انرژی در تولید، توزیع، انتقال و مصرف آن و متعادل کردن مصرف انرژی به منظور استفاده بهینه از آن
- گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی، بادی، زمین گرمایی، هسته‌ای و...) در تولید برق
- ایجاد دالان‌های انرژی برای استقرار صنایع انرژی‌بر با هدف صادرات در مناطق دارای برآیند مکانی مؤلفه‌های تأمین انرژی، جابه‌جایی مواد اولیه و برخورداری از پایانه‌های صادراتی
- ایجاد و توسعه مناطق ویژه و تخصصی انرژی و صنعتی مبتنی بر استفاده از امکانات منابع گاز به منظور استقرار صنایع پشتیبان، جنبی و زنجیره‌های تولیدی مرتبط
- استفاده از توانمندی‌های نفت و گاز به منظور توسعه مناطق جنوبی و کمتر توسعه یافته کشور
- گسترش و توسعه شبکه گازرسانی به منظور تأمین سوخت مصرفی، ایجاد زمینه‌های توسعه صنعتی، تسریع در روند توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و جلوگیری از خسارت‌های زیست‌محیطی
- مبادله انرژی با کشورهای همجوار با تأکید بر نفت و گاز (سوآپ) و تبادل برق
- تأکید بر سرمایه‌گذاری و توسعه انتقال گاز میدان پارس جنوبی و صادرات گاز به اروپا از راه شبکه گاز ترکیه

پ) بخش‌های آموزش، بهداشت و اشتغال

- توزیع مناسب و عادلانه امکانات و تسهیلات در حوزه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت و درمان و اشتغال‌زایی توسط دولت در مناطق کمتر برخوردار و به‌ویژه مرزی

- استفاده از توان افراد نیکوکار و خیرین در توسعه مناطق کم‌برخوردار از راه ترویج و توجه به فرهنگ و سنت حسنه وقف در حوزه‌های تربیت و آموزش، آموزش و پرورش و آموزش عالی شامل ساخت ابنیه، تأمین و پشتیبانی مالی، مشارکت در ساخت با بخش دولتی، مشارکت در بخش بهداشت و سلامت، مشارکت در زمینه اشتغال‌زایی و ایجاد بسترهای فرصت شغلی، امکان سرمایه‌گذاری در دیگر زمینه‌ها و بخش‌ها با قصد اضافه‌شدن به موقوفات

از دید توسعه و پدافند داخلی توجه به توسعه بخش‌های اصلی مورد اشاره می‌تواند عامل اصلی و اثربخش حفظ و نگهداشت جمعیت به‌ویژه در مناطق مرزی بوده و در ایجاد ثبات و پایداری جمعیت و سد نفوذ بیگانگان و در مجموع دفع تهدیدات، نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

پیشنهادها

باتوجه به آنچه که در زمینه توسعه متوازن و پایدار بر مبنای آمایش سرزمینی و شناخت عوامل و الزامات آن بیان شد و اینکه راهکارها و راهبردهای بیان‌شده می‌تواند جنبه توصیه‌ای نیز داشته باشد، پیشنهادهایی به شرح زیر برای دستیابی به این مهم ارائه می‌شود:

- حمایت و تقویت ارکان توسعه پایدار در اندیشه اسلامی در آموزه‌های دینی و اسناد فرادستی

- ترویج فرهنگ و توجه به سنت دیرینه و حسنه وقف (بهره‌گیری از توان خیرین) و ایجاد انگیزه ترویج چرخه دستیابی به توسعه پایدار توسط رسانه ملی و دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط

- توجه به سازوکارهای پایداری زیست‌محیطی مطابق با الگوهای ملی و استاندارد جهانی در بدنه دولت

- در اولویت قراردادن توسعه متوازن کشور بویژه در نواحی کم‌برخوردار و مرزی براساس اصول آمایش سرزمین توسط مسئولان و برنامه‌ریزان بخش‌های گوناگون کشوری در سطوح راهبردی، عملیاتی و اجرایی

هم‌چنین پیشنهاد می‌شود:

- یافته‌ها، راهکارها و الزامات مد نظر این پژوهش در راستای رسیدن به اهداف امنیتی - دفاعی امور پدافند و توسعه داخلی مورد توجه و استفاده بخش‌های ذی‌ربط کشوری و لشکری قرار گیرد. نتایج یافته‌ها و راهکارهای مد نظر این پژوهش در راستای رسیدن به اهداف ملی و فراملی توسعه متوازن و پایدار مورد توجه و استفاده بخش‌های ذی‌ربط کشور قرار گیرد.

فهرست منابع

- آبیار، فاطمه (۱۴۰۰). صلح مثبت لازمه توسعه پایدار، همدان: دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- ایاد شمخی جابرعلمیری (۱۴۰۱). استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه پایدار در اقتصاد عراق با استفاده از تحلیل SWOT، قم: جامعه‌المصطفی‌العالمیه.
- چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر (۱۳۸۱). آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.
- زرقانی، سیدهادی؛ اعظمی، هادی (۱۳۸۹). تحلیل ملاحظات دفاعی - امنیتی در آمایش کلان‌شهر مشهد با تأکید بر تهدیدات تروریستی، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۸ (۱۴).
- شمسائی، فتح‌اله (۱۳۸۳). دفاع غیر عامل مؤثر در طراحی مراکز نظامی و صنعتی.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۶۹). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری.
- صفوی، یحیی (۱۳۸۳). جغرافیای نظامی ایران.
- طحانی، غلامرضا (۱۳۹۶). بررسی نقش آمایش سرزمینی در امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۱۰ (۲۷).
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی.
- محمد فرج محیسن (۱۴۰۱). ریشه‌یابی نظری توسعه پایدار در اقتصاد اثباتی، قم: جامعه‌المصطفی‌العالمیه.
- مطالعات آمایش سرزمین (۱۳۸۳). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- منوچهری، سوران؛ فراهانی، حسین (۱۳۹۵). جغرافیا و توسعه پایدار؛ تحقق توسعه پایدار؛ اهمیت آموزش و پرورش (آموزش توسعه‌ای)، نشریه رشد آموزش جغرافیا، ش ۱۱۶.
- نجفی راشد، محمد (۱۳۸۶). توسعه و پدافند داخلی.